

بافتن کلاه از نمد آشوب‌ها

■ دولت رئیسی برخلاف دولت‌های قبلی از مسئولیت‌پذیری شانه خالی نمی‌کند و تصویر ضعیف از خود ارائه نمی‌دهد، بی‌اختیار نشان دادن دولت و فرار از مسئولیت با بیان اینکه دولت «تدارک‌ناچی» است و یا «سایرین اجازه کار نمی‌دهند» و یا اینکه «تحریم‌ها کشور را به بن‌بست کشانده است»، مختص به دولت‌های قبلی بوده است، این دولت به همان اندازه استعدادها و وظایف قوه مجریه که مقدار کمی نیست، مسئولیت‌پذیر است و خود را در حل مشکلات محق و صاحب اراده می‌داند.

دکتر کمیل نقیپور سردبیر روزنامه ایران

حملات به دولت وارد مرحله جدیدی شده است. پس از به پایان رسیدن مرحله آشوب و هویدا شدن اثرات منفی اغتشاشات برای اقتصاد ایران حالا نوبت به چهره‌های سیاسی و اقتصادی دولت قبل رسیده تا وارد میدان شوند و از نمد آشوب‌ها برای خود کلاهی ببافند و درصدد سفیدشویی عملکرد خود و دولت متبوعشان بپردازند.

روز گذشته و به‌صورت همزمان در دو روزنامه مخالف دولت دو مصاحبه از محسن هاشمی و عبدالناصر همتی درباره بررسی وضعیت کشور با محوریت مسائل اقتصادی به چاپ رسید، البته محوریت اصلی هر دو مصاحبه حمله به دولت وتلاش برای پاک کردن عملکرد خسارت بار دولت قبل با نیم‌نگاهی به انتخابات مجلس سال بعد بود. محسن هاشمی در گفت‌وگوی خود در پاسخ به سؤال خبرنگار درباره اینکه «رئیس جمهور گفته است که قطار پیشرفت کشور در حال حرکت است و دشمن می‌خواهد این قطار را متوقف کند شما چه برداشتی از این نگاه به توسعه دارید»، گفت: «باید اعتراف کنیم نه تنها برای من بلکه برای بسیاری از نخبگان و حتی مردم عادی فهمیدن این سخنان دشوار است.»

وی در پاسخ به چرایی این اظهارات خود گفت: «آقایان باید توضیح دهند که منظورشان از پیشرفت در چه حوزه‌هایی است. شاخص‌های رشد اقتصادی، نرخ تورم، افزایش قدرت خرید، درآمد سرانه، نرخ بیکاری، صادرات، نرخ سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، شدت انرژی، شاخص بورس، توان استخراج نفت و گاز از مخازن مشترک و... است. خوب در کدام یک از این شاخص‌ها، نه در مقایسه با دوران سازندگی و اصلاحات بلکه در مقایسه با چندسال قبل یعنی سال‌های ۹۴ تا ۹۶ مثبت بوده‌ایم؟ اکثر این شاخص‌ها طی دهه گذشته صفر یا منفی بوده است.»

محسن هاشمی که گفت‌وگوی تفصیلی خود را بر پایه همین اظهارنظر خود چیده است، ناخواسته صراحتاً به دو نکته اعتراف می‌کند؛ اول آنکه دولت متبوع او یعنی دولت



به جسد بی‌جان دولت قبل بزند اما نمی‌داند برخلاف تصوراتش مردم ایران حافظه قوی دارند و بهم چسبیدگی او و روحانی را فراموش نمی‌کنند، نقش همتی در سقوط اقتصاد ملی با آب زمزم هم پاک شدنی نیست. ذکر این نکته نیز ضروری است که نجابت رئیس جمهور در عدم تشریح آنچه از دولت قبل برایش به ارث مانده بیانگر بی‌نقشی دولت قبل در وضعیت فعلی نیست. سیاست دولت رئیسی آن است که به رغم میراث شوم دولت قبل در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، مسائل را بدون «هیاوو» حل کند، طبیعتاً مشکلات مترتب از نرخ سرمایه‌گذاری منفی، تحویل گرفتن دولت با کسری بودجه ۶۷۰ هزار میلیارد تومانی، تورم حدود ۵۰ درصدی، رشد اقتصادی منفی و... به یک باره قابل حل نیست، دولت باید در گام اول روند صعودی و پرشتاب مشکلات به ارث رسیده را متوقف کند و در گام بعدی روند را به سمت حل قابل قبول این مسائل و مشکلات تغییر دهد. داده‌های مرکز آمار بیانگر آن است که دولت سیزدهم در تحقق هدف کوتاه مدت خود یعنی در کنترل تقریباً تمامی شاخص‌های اقتصادی موفق بوده و روند را به سمت مطلوب تغییر داده است. این نکته نباید فراموش شود که انباشت بحران‌ها در دولت قبل، به مثابه انبار باروتی بود که موجودیت ایران را تهدید می‌کرد، در واقع دولت رئیسی در ابتدای کار نه تنها زمین سوخته بلکه زمین «مین گذاری شده» را تحویل گرفت که می‌بایست برای هرگونه اقدام و سیاستی نهایت دقت و تدبیر را به کار می‌بست. این سیاست‌ها در گام اول به نتیجه رسیده و سایه فروپاشی اقتصادی از سر کشور برداشته شده است، نکته دیگر آنکه دولت رئیسی برخلاف دولت‌های قبلی از مسئولیت‌پذیری شانه خالی نمی‌کند و تصویر ضعیف از خود ارائه نمی‌دهد، بی‌اختیار نشان دادن دولت و فرار از مسئولیت با بیان اینکه دولت «تدارک‌ناچی» است و یا «سایرین اجازه کار نمی‌دهند» و یا اینکه «تحریم‌ها کشور را به بن‌بست کشانده است»، مختص به دولت‌های قبلی بوده است، این دولت به همان اندازه استعدادها و وظایف قوه مجریه که مقدار کمی نیست، مسئولیت‌پذیر است و خود را در حل مشکلات محق و صاحب اراده می‌داند. برای همین است که تصویر ایران اسلامی برخلاف تلاشی که مخالفان دولت انجام می‌دهند و برخلاف خطی که رسانه‌های ضدانقلاب دنبال می‌کنند، تصویر روشنی است.

دولتی که جهت تمامی سیاست‌هایش فقط به غرب ختم می‌شد، هنگامی که خود طعم تجربه بی‌اعتمادی به غرب را چشید، کشور را به امان خدا واگذار کرد، تلاش برای تعامل با سایر کشورها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی آنان را به باد بی‌خیالی سپرد، سرمایه‌گذاری را در کشور تعطیل کرد و عملاً خود و کشور را در انزوای تاریخی قرار داد، کار به جایی کشید که برخی وزرا هفته‌ها نمی‌توانستند رئیس دولت وقت را که به دلیل کرونا در کاخ سعدآباد به «خود قرنطینگی» دچار شده بود، ملاقات کنند. همتی هرچند صراحتاً معترف است که دولت متبوع او فقط توانایی فروش ۲۰۰ هزار بشکه نفت با قیمت ۲۰ دلار داشته است اما به اثرات این ناتوانی مخرب اشاره نمی‌کند. فروش کم نفت و درآمد کم ارزی در پی تعطیلی وزارتخانه‌هایی چون نفت و سیاست خارجی و به بیان بهتر در پی «تعطیلی دولت»، خزانه خالی را برای مردم در پی داشت، افزایش بی‌سابقه پایه پولی را به ارمغان آورد، آینده‌فروشی اقتصاد ایران را با پیش فروش انرژی در دستور کار قرار داد، به چاپ گسترده پول منجر شد و همتی را سلطان چاپ پول کرد، کسری بودجه شدید و فروش اوراقی را به بار آورد که دولت فعلی باید ماهانه ۱۶ هزار میلیارد تومان فقط برای بازپرداخت بدهی‌های این اوراق کنار بگذارد؛ بله ضربه به اقتصاد ملی در دهه نود تاریخی بوده است.

روحانی و همتی به گونه‌ای اقتصاد را مدیریت کردند که هر کسی می‌توانست. استراتژی آنان برای مدیریت اقتصاد یک چیز بود «روشن کردن ۲۴ ساعته دستگاه چاپ پول». به بیان دیگر دولت بانک مرکزی به جای برنامه‌ریزی و اجرای شیوه‌هایی برای کسب درآمد پایدار، به خلق پول بدون پشتوانه و توزیع آن میان مردم روی آوردند، تورم را به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش دادند به گونه‌ای که به رکورد بالاترین نرخ تورم که در اختیار هاشمی رفسنجانی بود رسیدند، گسل‌های اقتصادی را تشدید کردند و به جای حل مسائل اقتصادی صرفاً به انباشت بحران روی آوردند و اینگونه ضربه تاریخی به اقتصاد ایران و به تبع آن به ملت ایران زدند و نام خود را از این جهت در تاریخ ماندگار کردند. البته موضع همتی قابل درک است، همتی می‌کوشد سهم خود از اقتصاد به جای مانده از روحانی را پاک کند، او برای پاک کردن حافظه تاریخی ملت، دست به هر کاری می‌زند حتی حاضر است همانند این مصاحبه، چند لگدی

که از بهار ۱۴۰۰ آغاز شد، جلوگیری به عمل آمد و شاخص کل نسبت به مرداد ۱۴۰۰ یعنی زمان تحویل دولت به رئیسی، افزایش پیدا کرده است. در کنار این اقدامات، از قطعی برق گسترده و سراسری جلوگیری به عمل آمد، ناترازی گاز که در نتیجه «سرمایه‌گذاری صفر» دولت قبل در حوزه انرژی اتفاق افتاده است، مدیریت شد، طرح‌های بزرگ آبرسانی به خوزستان، همدان و سنجند به سرانجام رسید، طرح‌های زیرساختی اساسی چون راه آهن چابهار - خاش افتتاح شد، معضل کرونا با تلفات روزانه ۷۰۰ نفر حل شد، ایران به‌صورت رسمی به عضویت پیمان شانگهای درآمد، طرح انرژی بین‌المللی ایران در نتیجه دیپلماسی فردی رئیس جمهور شکست خورد و... اینها تنها بخشی از اقدامات دولت طی ۱۶ ماه عملکردش بوده است.

هرچند هاشمی و همتی به همراه دیگر چهره‌های وابسته به دولت قبل یا رسانه‌های آنان در تلاش هستند تصویر سیاه دوران ریاست جمهوری روحانی را بزدانند اما کابوس دهه نود برای ایرانی‌ها فراموش شدنی نیست، به گونه‌ای که تصویر سیاه از این دهه در ذهن محسن هاشمی که از نزدیکان حسن روحانی به حساب می‌آید نیز ماندگار شده است. سیاهی دهه نود به علت روی کار آمدن دولتی است که تمام ایده‌اش «بستن یا کدخد» برای حل مشکلات داخلی کشور بود و گمان می‌کرد با یک امضا (امضای توافق پراچام) به سعادت رسیده و به مشکلات فائق آمده است اما درواقع با یک امضا (امضای خروج از پراچام) به مرز فروپاشی رسید. فروپاشی اقتصاد ایران و رکوردشکنی‌های منفی بی‌درپی در دولت دوازدهم عملاً به علت فروپاشی ذهنی دولتمردان وقت در نتیجه به بن‌بست رسیدن پراچام بود؛ حتی عبدالناصر همتی خود در گفت‌وگوی اخیرش به این قضیه معترف است که برنامه وی برای مدیریت بانک مرکزی در سال ۹۷ برای اقتصاد «از هم پاشیده» بوده اما به این نکته اشاره نمی‌کند که اقتصاد ملی در نتیجه سیاست‌های اشتباه روحانی و تیم اقتصادی او دچار فروپاشی شد و سیاست‌های اقتصادی سلطان چاپ پول ایران نیز این روند را تشدید کرد.

همتی خود اشاره می‌کند که دولت روحانی فقط توان «فروش ۲۰۰ هزار بشکه نفت به قیمت بشکه‌ای ۲۰ دلار را داشت». این اعتراف صریح بیانگر علیل بودن دولت قبل در ایجاد درآمد ارزی و به بیان دیگر ناتوانی در تعامل با کشورهای جهان در جهت تأمین منافع ملی بوده است.

پذیرش آگهی‌های الوفاق
۱۸۷۷

1877